

Persische Zusammenfassungen der Beiträge (چکیده فارسی مقالات)

هارالد زویبرت Harald Seubert موضوع مقیاس زندگی انسانی را در اخلاق یونانی در مرکزیت سئوالات خود در خصوص یک زندگی خوب قرار داده و تبیین می نماید. از زمان ارسطو تا کنون مقیاس تعادل و تناسب از لحاظ ترتیب و توالی بنا نهاده نشده است، بلکه در راستای نیروی خرد و حکمرانی اندیشه دانامحور و شناخت خود و دیگر افراد و همچنین شرایط مهم قابل دریافت و بررسی است. در مقابل، طرفداران اندیشه مدرن، پست مدرن و فرامدرن بیشتر تمایل به فراموشی معیار، مقیاس، اندازه و اعتدال دارند. سئوالات در این مسیر را به آسانی و بیشتر بعنوان یک موضوع آنالیز کرونستی تحقیر و کم ارزش می کنند. این مقاله در جمع سعی بر این دارد، که تفکر را به نوبه خود بعنوان امری که بازکننده درهای حکمت است، معرفی نماید که ما را در طول زندگی رهنمون است و امور پیرامون ما را روشن و شفاف می نماید. اندازه و معیار تعادل انسانی نیز می تواند تنها از راه حکمت و عقل به یک اتحاد مهم خرد و عمل دست یابد.

پتر گردسن Peter Gerdson در بررسی های خود به دروهای های فکری و ارتباط مفاهیمی نظیر «مدارا»، «افراطیگری» و «معیار و اندازه حکیمانه: اعتدال» می پردازد. توصیف شرایط و اوضاع کنونی جهان بیانگر این است، که این سه مفهوم یاد شده دارای اهمیت والایی هستند. مدارا و معیار و اندازه حکیمانه که همان اعتدال و میانه روی است دو خصلت و اصل مهمی هستند، که شرایط موجود جهان بیش از پیش به آن نیازمند می باشد. اصل اعتدال نکته مهمی است که آقای گردسن از آن برای کنترل و محدود کردن افراطیگری استفاده می نماید. این مفهوم بطور جدی و با توجه خاصی مورد بررسی قرار می گیرد، تا «افراطیگری پنهانی» که سعی در مخفی نگه داشتن خود دارد را آشکار و نمایان سازد. گردسن معتقد است و به این نکته نیز اشاره دارد، که در کشورهای دارای «ارزشهای مشترک غربی» دیگر آن مفهوم ارزشمند و مقدس اعتدال وجود و حضور ندارد. ارتباطات درونی و نقاط مشترک این مفاهیم در سطح تفکر و خودآگاهی های موجود در جامعه قابل مشاهده است. این محقق نشان می دهد، که مدارا یا به عبارتی تسامح و تساهل و اعتدال پایه های اصولی و اعتقادی «ترانسندنس» هستند، امری که بر اساس آن این ارزشهای یاد شده در جوامع و کشورهای سکولار غربی یا دچار تغییرات معنایی شده اند و یا دیگر هیچ معنا و مفهومی ندارند.

کریستوف بوهر Christoph Böhr صاحب این اندیشه و تئوری است، که می گوید: هر کس هیچ اعتقاد و جهانیابی خاصی ندارد، که آنرا حق و واقعیت بداند، خواه ناخواه تسلیم و متحمل اعتقادات غریبه خواهد شد. ایشان در مقاله خود این نکته را آشکار می سازد، که مدارا به معنی عدم تفاوت (یا یکسانی اندیشه یا دیگری) نیست. تحمل هم به معنی بی تفاوتی نیست، بلکه نوع و فرمی از توجه و عنایت شهودی در مقابل دیگران است. تنها کسی که نوعی حقیقت متقن را می شناسد، آنرا می پذیرد و به آن اعتقاد دارد، می تواند به نظر آقای بوهر، بیانات و اظهارات دیگر معتقدان و تفکرات غریبه را تحمل نماید و این به آن معنی است، که: آنها را با تمام جدیتشان در خود پذیرش می نماید و با آنها بدون هیچگونه تحقیری برخورد می کند. متقابلاً کسی که هیچگونه ادعای برحقى ندارد، مجبور نیست صاحبان دیگر عقاید را تحمل کند، چون آنها هم به همین میزان دارای درجه کمی از حقیقت هستند. مع الوصف منظور از «مدارا یا تحمل» در واقع چیز دیگری است؛ و آن این است، که کسی را بدون استثناء و با همان شأن و منزلتش پذیرا باشیم و توانندی های درک او از واقعیت را احترام بگذاریم، حتی اگر او نظرات کاملاً متفاوت و کجی را ابراز می دارد و یا به آنها معتقد است. چنانچه تلقی و برداشت او از واقعیت را بطور اصولی رد و طرد کنیم.

Ali Radjaie مفهوم «اعتدال» را از پنج بعد و دیدگاه مختلف در فارسی و آلمانی با هم مقایسه، تحقیق و در این ساختارها بررسی می نماید: اعتدال در زمینه های علمی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و در مباحث و متون ادبی. آقای رجائی به تفکیک در هر بخش بطور علمی و دقیق به معنای اصلی واژه اعتدال در همان زمینه می پردازد و آنرا در چهارچوب خاص خود و متون مربوطه تبیین می نماید. ایشان استدلال می نماید، که اعتدال در هر پنج بخش و زمینه فوق تا چه میزان دارای اهمیت و اعتبار هستند و توجه به اعتدال چه نتایج عاقلانه و مثبتی در بر خواهد داشت، همچنین اثبات می شود، که بی توجهی، نادیده گرفتن و یا عدم رعایت اعتدال، به عبارتی افراط و تفریط تا چه میزان عواقب ناگواری را برای فرد یا جامعه در پی خواهند داشت. از نظر ساختاری و بر اساس تحقیقات مختلف می توان اعتدال را بعنوان ستون اصلی همه زمینه ها و بخشهای مذکور و کلیه فعالیت های انسانی و حتی پایه و اساس هستی و وجود هر موجود و نظامی قلمداد کرد. اعتدال برخاسته از ریشه عقل، خرد محض و منطق انسانی است، از آن سرچشمه می گیرد و برای زندگی همراه با هارمونی و توازن قوا در ابعاد گوناگون بسیار ضروری است. برخلاف آن هرگونه افراط و تفریط، غلو و مبالغه، زیاده روی و استنکاف می تواند عواقب ناگواری را موجب گردد و زمینه های خلاف، شر، عدم تعادل و بی عدالتی را فراهم سازد. به نظر رجائی اعتدال یا «حد وسط طلائی» مهمترین عامل سعادت و خوشبختی است و باعث توازن در زندگی و ابعاد مختلف آن می گردد و تنها معیاری است، که بر خردمندی و عقل سلیم استوار است.

قاسم سلیمی Ghasem Salimi با بررسی چند واژه کلیدی از قبیل «اعتدال، تعصب، مدارا، تساهل، تسامح و ...» در آثار ادبی به ویژه آثار و اشعار مختلف شاعران فارسی زبان، سعی کرده است راه

حل هایی را که این دسته از اندیشمندان ایران زمین به ویژه عارفان شاعر، برای گشودن گره کور اختلافات مذهبی ارائه کرده اند پیدا کند. ایشان بر اساس اولویت تاریخی نگاه خود را به این آثار متمرکز کرده است، تا دانسته شود که چه میزان آموزه های دینی، فرهنگی و عرفانی ایرانیان و به عبارتی فارسی زبانان، بر حفظ اعتدال و مدارای مذهبی تأکید داشته است. آقای سلیمی می گوید از این راه ثابت کند که اگر در طول تاریخ این مرز و بوم، هر از گاهی اختلافات مذهبی باعث بروز درگیری های فرقه ای و بعضاً کشتار دسته جمعی شده است، هیچ ارتباطی با اصل دین و فرهنگ آنان نداشته است؛ بلکه برداشت های شخصی و منافع دسته ای از عوامل هدایت جامعه، موجب بروز این مشکلات شده است. وی در پایان چنین نتیجه می گیرد که این دسته از اندیشمندان مذهبی همیشه سعی در ایجاد اتحاد و همدلی بین اقوام و ملل مختلف جامعه انسانی داشته اند و چه بسا بر سر این اندیشه آسایش و راحتی خود را فدای آسایش و رفاه عمومی جامعه کرده اند.

حمیدرضا یوسفی Hamid Reza Yousefi در این تحقیق رابطه متقابل «مدارا و اعتدال» را در مباحث و متون جهانی بررسی می نماید و بر پیوند و رابطه ای عمیق میان این مباحث و گفتگوی فرهنگ ها، ساختارهای سنت گرا و مدرنیته تأکید دارد. ایشان معتقد است، که این بازی دوجانبه علت و سببی است که پایه و اساس همه تئوری ها و اعتقادات اجتماعی و مذهبی تمام اقوام و ملت هاست. در این پژوهش همچنین سعی بر اثبات این نکته است، که اصولاً مدارا یا تسامح و تساهل چیست؟ و چرا بعنوان یک صفت و ویژگی خاص و ممتاز انسانی پایه و اساس هرگونه گفتگو و تبادلات فکری می باشد، خواه میان فرهنگی و یا مباحث تقریب مذاهب. مدارا مسلماً بر تقوا و پرهیز استوار است، امری که در صورت عدم توجه به آن مباحث گفتگو و مراودات مختل می گردد، و چنانچه مدارا حضور داشته باشد، گفتگوها و تعاملات ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده و رونق بخش مباحث معتبر می شود. به نظر آقای یوسفی مرز مدارا جایی است، که مقام و منزلت انسانی بطور مستقیم یا غیر مستقیم، با واسطه یا بلاواسطه در خطر باشد. مباحث بین ادیان و گفتگوهای میان فرهنگی از نظر اجرا و اعمال سیستم های ارزشی، بدون مدارا و اعتدال، امکانپذیر نمی باشند.

مترجم: دکتر علی رجائی، دانشگاه اراک